

عنوان مقاله:

جایگاه آموزه های اخلاقی در شاهنامه شاعر بزرگ، ابوالقاسم فردوسی

محل انتشار:

سومین کنفرانس بین المللی نوآوری و تحقیق در علوم تربیتی، مدیریت و روانشناسی (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسندگان:

کامران افکار - دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی - دانشگاه فرهنگیان

سجاد ارسلان پور - دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی - دانشگاه فرهنگیان

سیدبرزو جمالیان زاده - دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه شیراز

خلاصه مقاله:

از میان موجودات عالم، فعل اخلاقی تنها در مورد انسان معنا دارد و خاص اوست زیرا اخلاق در مورد موجودی معنا می یابد که از سوئی دچار میل ها و احساس های متضاد باشد و از سوئی بتواند بر اساس انتخاب و اختیار یکی از آن دو را برگزیند. به دیگر سخن، انسان ذاتا موجودی اخلاقی است و در طول زندگی خود همواره در معرض انتخاب هایی قرار می گیرد که او را به پستی و سقوط و یا تعالی و عروج می کشاند بدون اینکه حد و نهایی برای هر یک از این دو طرف وجود داشته باشد. و با این آغاز که فلاسفه ی اخلاق، آن را به دو دسته کلی اخلاق هنجاری و فرائیقا تقسیم می کنند، اگر روی شاهنامه فردوسی بیشتر تامل شود، معلوم خواهد گشت که فردوسی به همان اندازه های که پهلوانی و قهرمانی را تصویر کرده باشد و نه کمتر از آن، عالم غنی باطنی و معنویات و اخلاق آدمیان را وصف کرده است. بی سبب نیست که این شاه اثر را خردنامه یا پندنامه هم نامیده اند. شاهنامه گنجینه ای آکنده از آموزه های اخلاقی و شایسته و ناشایسته ها است و همچون آینه ای صاف و درخشان احوال زمانه خویش را بازتاب می دهد. امور اخلاقی مطرح شده در این اثر، طیف گسترده ای را در بر می گیرد که هم شامل اخلاقیات کلی و عمومی که در مورد تک تک افراد بشر در هر زمان و هر مکان صدق می کند و هم شامل اخلاقیات و طبقات و اصناف گوناگون اجتماع می شود. این پژوهش به صورت توصیفی و از نوع کیفی است و هدف آن بیان جنبه های اخلاقی شخصیت ها و قهرمانان شاهنامه فردوسی در موقعیت های گوناگون است. در این پژوهش در پی آنیم تا با بررسی نهاده های اخلاقی مطرح شده در این کتاب ادبی و ملی و مقایسه آن با علم اخلاق و فلسفه ی آن، به معنی و مفهومی از اخلاق از نظر این اثر ادبی، بپردازیم و پی ببریم که نهاده های اخلاقی گفته شده در این اثر با کدام یک از سر فصل های فلسفه ی اخلاق و زیر مجموعه های آنها مرتبط تر است.

کلمات کلیدی:

شاهنامه فردوسی، فلسفه ی اخلاق، فضیلت گرایی، غایت گرایی، تکلیف گرایی.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/919985>

